

دُعَاای کَمِیل

قرائت این دعا در شب نیمه شعبان و نیز
شب‌های جمعه مستحب است.

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُکَ بِرَحْمَتِکَ الَّتِیْ وَسِعَتْ کُلَّ شَیْءٍ،

خدایا! از تو می‌خواهم به رحمتت که
بر همه چیز سایه انداخته،

وَ بِقُوَّتِکَ الَّتِیْ قَهَرْتَ بِهَا کُلَّ شَیْءٍ،

و به نیرویت که با آن بر همه چیز تسلط داری،

وَ خَضَعَ لَهَا کُلُّ شَیْءٍ، وَ ذَلَّ لَهَا کُلُّ شَیْءٍ،

و همه در برابرش خاضع و خوارند،

۱- دعای کمیل از حضرت خضر می‌باشد که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام آن را
به جناب کمیل تعلیم فرموده‌اند، به این جهت به «دعای کمیل» معروف شده است.

وَ بِجَبْرُوتِكَ الَّتِي غَلَبْتَ بِهَا كُلَّ شَيْءٍ،

و به قدرتت که با آن همه قدرت‌ها را شکست دادی،

وَ بِعِزَّتِكَ الَّتِي لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ،

و به عزتت که چیزی توان مقابله با آن را ندارد،

وَ بِعِظَمَتِكَ الَّتِي مَلَأَتْ كُلَّ شَيْءٍ،

و به عظمتت که همه چیز را پر کرده است،

وَ بِسُلْطَانِكَ الَّذِي عَلَا كُلَّ شَيْءٍ،

و به پادشاهی‌ات که بر عالم برتری دارد،

وَ بِوَجْهِكَ الْبَاقِيَ بَعْدَ فَنَاءِ كُلِّ شَيْءٍ،

و به ذات پاکت که پس از نابودی همه چیز،
باقی می‌ماند،

وَ بِأَسْمَائِكَ الَّتِي مَلَأَتْ أَرْكَانَ كُلِّ شَيْءٍ،

و به نام‌هایت که اساس همه چیز است،

وَ بِعِلْمِكَ الَّذِي أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ،

و به دانشت که بر همه چیز احاطه دارد،

وَ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَضَاءَ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ،

و به نور ذاتت که همه عالم را روشن کرده است،

یا نُورُ یا قُدُّوسُ، یا أَوَّلَ الْأَوَّلینَ، وِیا آخِرَ الْأَخِرینَ.

ای نور! ای پاک از هر عیب! ای آغازِ هر آغاز!
و ای پایان هر پایان.

اَللّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَهَتِكُ الْعِصَمَ.

بارالها! ببخش گناهایی را که پردهٔ عصمت را می‌درد.

اَللّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنْزِلُ النِّقَمَ.

خدایا! ببخش گناهایی که بارانِ عذاب را
بر من نازل می‌کند.

اَللّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النِّعَمَ.

خدایا! ببخش گناهایی را که نعمت‌ها را تغییر می‌دهد.

اَللّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ الدُّعَاءَ.

خدایا! ببخش گناهایی که مرغِ دعایم را حبس می‌کند.

اَللّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنْزِلُ الْبَلَاءَ.

خدایا! بیامرز بر من گناهایی که بلا را نازل می‌کند.

**اَللّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ اَذْنَبْتُهُ
وَ كُلَّ خَطِيئَةٍ اَخْطَاْتُهَا.**

خدایا! ببخش هر خطایی که مرتکب شدم و هر
خطایی که از من سر زده است.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِذِكْرِكَ،

بارالها! می خواهم با یاد تو به تو نزدیک تر شوم،

وَ أَسْتَشْفِعُ بِكَ إِلَى نَفْسِكَ،

و به درگاهت، خودت را شفیع قرار دهم،

وَ أَسْأَلُكَ بِجُودِكَ أَنْ تُدْنِيَنِي مِنْ قُرْبِكَ،

و به بخششت از تو می خواهم که به خودت نزدیکم کنی،

وَ أَنْ تُوزِعَنِي سُكْرَكَ،

و سُکرت را نصیب و روزی ام کنی،

وَ أَنْ تُلْهِمَنِي ذِكْرَكَ.

و یادت را به دلم بیاندازی.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ سُؤَالَ خَاضِعٍ مُتَذَلِّلٍ خَاشِعٍ

بارالها! من خاضعانه و ذلیلانه

و با فروتنی از تو می خواهم

أَنْ تُسَامِحَنِي وَ تَرْحَمَنِي

که بر من آسان گیری و رحم کنی،

وَ تَجْعَلَنِي بِقِسْمِكَ رَاضِيًا قَانِعًا،

و مرا به قِسمتم راضی و قانع کنی،

وَ فِي جَمِيعِ الْأَحْوَالِ مُتَوَاضِعاً.

و این که در همه حال فروتن باشم.

اللَّهُمَّ وَ أَسْأَلُكَ سُؤَالَ مَنْ اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ،

بارالها! از تو می‌خواهم مثل آن کس که
شدیداً محتاج شده،

وَ أَنْزَلَ بِكَ عِنْدَ الشَّدَائِدِ حَاجَتَهُ،

و درخواستش را به پیش تو آورده،

وَ عَظَمَ فِيمَا عِنْدَكَ رَغْبَتَهُ.

و به آنچه نزد توست، بسیار مشتاق شده است.

اللَّهُمَّ عَظَمَ سُلْطَانُكَ،

خدایا! سلطه تو بزرگ،

وَ عَلا مَكَانُكَ،

و جایگاهت والا،

وَ خَفِيَ مَكْرُكَ،

و مکر تو پنهان،

وَ ظَهَرَ أَمْرُكَ،

و دستورت آشکار،

وَ غَلَبَ قَهْرُكَ،

و قهر و خشمت چیره،

وَ جَرَتْ قُدْرَتُكَ،

و قدرتت در جریان است،

وَ لَا يُمَكِّنُ الْفِرَارُ مِنْ حُكُومَتِكَ.

و به هیچ وجه نمی توان از حکومتت فرار کرد.

اللَّهُمَّ لَا أَجِدُ لِذُنُوبِي غَافِرًا،

خدایا! من نه برای بخشش گناهانم
جز تو را سراغ دارم،

وَ لَا لِقَبَائِحِي سَاتِرًا،

و نه برای پوشاندن زشتی هایم،

وَ لَا لِشَيْءٍ مِنْ عَمَلِي الْقَبِيحِ بِالْحَسَنِ مُبَدِّلًا غَيْرَكَ،

و نه کسی غیر تو را می یابم که
اعمال زشتم را با خوبی جایگزین کند،

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ وَ بِحَمْدِكَ،

معبودی جز تو نیست، منزّه و ستوده ای

ظَلَمْتُ نَفْسِي،

بر خود ستم کردم،

وَ تَجَرَّأْتُ بِجَهْلِي،

از روی نادانی، جرئت کردم

وَ سَكَنْتُ إِلَى قَدِيمِ ذِكْرِكَ لِي، وَ مَنَّكَ عَلَيَّ.

و آسوده‌خاطر بودم به اینکه همیشه به یاد منی
و بر من لطف می‌کنی.

اللَّهُمَّ مَوْلَايَ كَمْ مِنْ قَبِيحٍ سَتَرْتَهُ،

خدای من! مولای من! چه زشتی‌های بسیاری
که از من پوشاندی

وَ كَمْ مِنْ فَاذِحٍ مِنَ الْبَلَاءِ أَقَلْتَهُ،

و [چه] بلاهای سنگینی که از من دفع کردی،

وَ كَمْ مِنْ عِثَارٍ وَقَيْتَهُ،

و چه لغزش‌هایی که در برابرشان حفظم کردی،

وَ كَمْ مِنْ مَكْرُوهٍ دَفَعْتَهُ،

و چه ناگوارایی‌ها که از من دور کردی،

وَ كَمْ مِنْ ثَنَاءٍ جَمِيلٍ لَسْتُ أَهْلًا لَهُ نَشَرْتَهُ.

و چه مدح زیبایی از من بین مردم
پخش کردی که لایقشان نبودم.

اَللّٰهُمَّ عَظَمَ بَلَائِي،

بارالها! بلایم بزرگ شده،

وَ اَفْرَطَ بِي سُوْءُ حَالِي،

و حالم بسیار بد شده است،

وَ قَصُرْتُ بِي اَعْمَالِي،

و اعمالم دستم را بسته،

وَ قَعَدْتُ بِي اَغْلَالِي،

و زنجیرهای گناه مرا زمین گیر کرده،

وَ حَبَسَنِي عَنْ نَفْعِي بُعْدُ اَمَلِي،

و بلندی آرزو مرا از منافع دور کرده،

وَ خَدَعْتَنِي الدُّنْيَا بِغُرُورِهَا،

و دنیا با ظاهر فریبنده‌اش، فریبم داده،

وَ نَفْسِي بِجِنَايَتِهَا، وَ مِطَالِي يَا سَيِّدِي،

و نفسم با جنایت‌هایش و امروز
و فردا کردنم فریبم داده، ای آقای من!

فَاَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ اَنْ لَا يَحْجُبَ عَنْكَ

دُعَائِي سُوْءُ عَمَلِي وَ فِعَالِي،

به عزّتت قسم، نگذار کردار و رفتار زشتم،
مانع از اجابت دعایم شود،

وَ لَا تُفْضَحْنِي بِخَفِيِّ مَا أَطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنْ سِرِّي،

و مرا به زشتی‌های پنهانی که از من می‌دانی،
رسوا نکن،

**وَ لَا تُعَاجِلْنِي بِالْعُقُوبَةِ عَلَيَّ مَا عَمِلْتُهُ
فِي خَلَوَاتِي مِنْ سُوءٍ فِعْلِي وَ إِسَاءَتِي،**

و اینکه در عقوبتم به خاطر زشتی‌هایی که
در خلوت کردم، شتاب نکن

وَ دَوَامِ تَفْرِيطِي وَ جَهَالَتِي،

و کوتاهی‌های همیشگی و نادانی‌ام،

وَ كَثْرَةِ شَهَوَاتِي وَ غَفْلَتِي.

و شهوترانی‌های بسیارم و غفلتم.

وَ كُنِ اللَّهُمَّ بِعِزَّتِكَ لِي فِي كُلِّ الْأَحْوَالِ رَوْفًا،

خداوندا به عزّتت قسم که در هر حال
با من مهربان باش،

وَ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ الْأُمُورِ عَطُوفًا،

و در تمام کارهایم، دلسوزم باش،

إِلَهِي وَ رَبِّي مَنْ لِي غَيْرُكَ،

خدای من! پروردگارم! غیر از تو چه کسی را دارم،

أَسْأَلُهُ كَشْفَ ضُرِّي،

که از او بخواهم بد حالیم را رفع کند،

وَ النَّظَرَ فِي أَمْرِي.

و در کارهایم نظری کند.

**إِلٰهِ وَ مَوْلَايَ أَجْرَيْتَ عَلَيَّ حُكْمًا
اتَّبَعْتُ فِيهِ هَوَى نَفْسِي،**

خدای من! و مولای من! دستوری به من دادی
ولی از هوای نفسم پیروی کردم،

وَ لَمْ أَحْتَرِسْ فِيهِ مِنْ تَزْيِينِ عَدُوِّي،

و مواظب فریبکاری‌های دشمنم [شیطان]، نبودم،

فَعَزَّنِي بِمَا أَهْوَى

پس آن‌طور که خواست، فریبم داد

وَأَسْعَدَهُ عَلَيَّ ذَلِكَ الْقَضَاءُ،

و قضا و قدر نیز به او کمک کرد،

فَتَجَاوَزْتُ بِمَا جَرِي عَلَيَّ مِنْ ذَلِكَ بَعْضَ حُدُودِكَ،

و همین شد که بعضی از حدودت را شکستم

وَ خَالَفْتُ بَعْضَ أَوْامِرِكَ.

و با برخی از دستوراتت مخالفت کردم.

فَلَكَ الْحَمْدُ (الْحُجَّةُ) عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذِكِّكَ،

اعتراف می‌کنم که در تمام این ماجرا، حق با توست،

وَ لَا حُجَّةَ لِي فِيمَا جَرَى عَلَيَّ فِيهِ قَضَاؤُكَ،

و من در آنچه که تو بر من نوشتی، هیچ حقی ندارم،

وَ أَلْزَمَنِي حُكْمَكَ وَ بَلَاؤُكَ،

حکم و بلای [آزمایش] تو بر من حتمی شده است،

وَ قَدْ أَتَيْتَكَ يَا إِلَهِي بَعْدَ تَقْصِيرِي

اینک خدای من! پس از این همه تقصیر و کوتاهی

وَ إِسْرَافِي عَلَي نَفْسِي،

و اسراف بر خویش، به پشت آمده‌ام،

مُعْتَذِرًا نَادِمًا مُنْكَسِرًا مُسْتَقِيلًا مُسْتَغْفِرًا

آمده‌ام عذرخواه، پشیمان، دل شکسته،
خواهان گذشت و عفو تو

مُنِيبًا مُقِرًّا مُذْعِنًا مُعْتَرِفًا،

برگشته‌ام، گردنم از مو باریک‌تر و معترف،

لَا أَجِدُ مَفْرَأً مِمَّا كَانَتْ مِنِّي،

هیچ راهی برای فرار از اشتباهاتم ندارم،

وَ لَا مَفْزَعًا أَتَوَّجَّهُ إِلَيْهِ فِي أَمْرِي غَيْرَ قَبُولِكَ عُذْرِي،

و نه پناهی که به آن رو کنم، جز اینکه
خودت عذرم را بپذیری،

وَ إِدْخَالِكَ إِيَّايَ فِي سَعَةِ رَحْمَتِكَ.

و مرا در رحمتِ فراگیرت وارد کنی.

اَللّٰهُمَّ فَاقْبَلْ عُذْرِي،

بارالها! عذرم را بپذیر،

وَ اَرْحَمْ شِدَّةَ ضُرِّي،

و به بد حالیم رحم کن،

وَ فُكَّنِي مِنْ شَدِّ وَثَاقِي،

و از بندِ محکمِ گناه رهایم کن،

يَا رَبِّ اَرْحَمْ ضَعْفَ بَدَنِي،

ای پروردگار من! به ناتوانی بدنم رحم کن،

وَ رِقَّةَ جِلْدِي،

و به پوست نازکم،

وَ دِقَّةَ عَظْمِي،

و به استخوانِ نحیفم رحم کن،

یا مَنْ بَدَأَ خَلْقِي وَ ذِكْرِي وَ
تَرْبِيَّتِي وَ بَرِّي وَ تَغْذِيَّتِي،

ای آن که اول بار مرا آفریدی، به یادم بودی،
پرورشم دادی، بر من خوبی کردی و غذایم دادی،

هَبْنِي لِابْتِدَاءِ كَرَمِكَ وَ سَائِفِ بَرِّكَ بِي.

مرا ببخش به حق اولین بخشش‌ها
و خوبی‌های گذشته‌ات.

یا اِلٰهِي وَ سَيِّدِي وَ رَبِّي،

ای خدای من! آقای من! پروردگار من!

اَثْرَاكَ مُعَذِّبِي بِنَارِكَ بَعْدَ تَوْحِيدِكَ،

می‌خواهی باور کنم که بعد اقرار به یگانگی‌ات،
به آتش عذابم می‌کنی؟!

وَ بَعْدَ مَا اِنْطَوَيْتُ عَلَيْهِ قَلْبِي مِنْ مَعْرِفَتِكَ،

بعد از این که قلبم معرفتت را در خود جای داد؟!

وَ لَهَجَ بِهٖ لِسَانِي مِنْ ذِكْرِكَ،

و پس از این که زبانم به ذکرت گویا شد؟!

وَ اِعْتَقَدَهُ ضَمِيرِي مِنْ حُبِّكَ،

و درون من با دوستی تو گره خورد؟!

وَ بَعْدَ صِدْقِ اعْتِرَافِي وَ دُعَائِي خَاضِعاً لِرُبُوبِيَّتِكَ،

و پس از اعتراف صادقانه و دعای خاضعانه‌ام
در پیشگاه ربوبیت تو،

هَيْهَاتَ،

نه! باور نمی‌کنم!

أَنْتَ أَكْرَمُ مَنْ أَنْ تُضَيِّعَ مَنْ رَبَّيْتَهُ،

تو بزرگوارتر از آن هستی که دست پرورده‌ات
را تباه کنی،

أَوْ تُبْعِدَ مَنْ أَدْنَيْتَهُ،

یا کسی را که نزدیک کرده‌ای دور کنی،

أَوْ تُشَرِّدَ مَنْ أَوْيْتَهُ،

یا کسی را که پناه داده‌ای آواره کنی،

أَوْ تُسَلِّمَ إِلَى الْبَلَاءِ مَنْ كَفَيْتَهُ وَ رَحِمْتَهُ،

یا کسی را که مورد کفایت و رحمت قرار داده‌ای
به دست بلاها بسپاری،

وَ لَيْتَ شِعْرِي يَا سَيِّدِي وَ إِلَهِي وَ مَوْلَايَ

و ای کاش می‌دانستم، ای آقای من!
معبود و مولای من!

أُتْسَلِّطُ النَّارَ عَلَى وُجُوهِ خَرَّتْ لِعَظَمَتِكَ سَاجِدَةً،

آیا تو بر چهره‌هایی که در پیشگاه عظمتت
به سجده افتاده‌اند، آتش می‌افکنی؟!

وَ عَلَى أَلْسِنٍ نَطَقَتْ بِتَوْحِيدِكَ صَادِقَةً،

و بر زبان‌هایی که صادقانه به یگانگی‌ات مشغولند،

وَ بِشُكْرِكَ مَادِحَةً،

و با شکرگزاری تو را مدح می‌کنند،

وَ عَلَى قُلُوبٍ اعْتَرَفَتْ بِإِلَهِيَّتِكَ مُحَقِّقَةً،

و بر دل‌هایی که حقیقتاً به خدایی تو اعتراف کرده‌اند،

**وَ عَلَى ضَمَائِرٍ حَوَّتْ مِنَ الْعِلْمِ
بِكَ حَتَّى صَارَتْ خَاشِعَةً،**

و بر درون‌هایی که از بس نسبت
به تو آگاهی یافته‌اند، فروتن گشته‌اند،

وَ عَلَى جَوَارِحَ سَعَتْ إِلَى أَوْطَانِ تَعْبُدِكَ طَائِعَةً،

و بر اعضا و جوارحی که از روی فرمانبرداری
به سوی عبادتگاه‌هایت شتافتند

وَ أَشَارَتْ بِاسْتِغْفَارِكَ مُذْعِنَةً،

و با اعتراف به گناه، خواهان بخشش تو هستند،
آیا همه را به آتش می‌سوزانی؟!

ما هَكَذَا الظَّنُّ بِكَ،

چنین گمانی نسبت به تو راه ندارد،

وَ لَا أُخْبِرُنَا بِفَضْلِكَ عَنكَ يَا كَرِيمُ يَا رَبِّ،

آنچه که از بزرگواری هایت به گوشمان رسیده
غیر از این است ای بزرگوار! پروردگارم!

وَ أَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفِي عَنْ قَلِيلٍ مِنْ بَلَاءِ الدُّنْيَا وَ عُقُوبَاتِهَا،

در حالی که می دانی چقدر در برابر بلای کم دنیا
و مجازاتش، ضعیفم،

وَ مَا يَجْرِي فِيهَا مِنَ الْمَكَارِهِ عَلَى أَهْلِهَا،

و چقدر در برابر ناخوشی های دنیا بر ساکنانش ناتوانم،

عَلَى أَنَّ ذَلِكَ بَلَاءٌ وَ مَكْرُوهٌ قَلِيلٌ مَكْتُهُ،

با اینکه این بلا و مصیبتی است که مدت کمی می ماند،

يَسِيرٌ بَقَائُهُ، قَصِيرٌ مُدَّتُهُ،

و همیشگی نیست و زود گذر است،

فَكَيْفَ اِحْتِمَالِي لِبَلَاءِ الْآخِرَةِ،

پس، با این اوصاف، من چگونه بلای آخرت،

وَ جَلِيلِ وُقُوعِ الْمَكَارِهِ فِيهَا،

و ناخوشی های طاقت فرسایش را تحمل کنم؟

وَ هُوَ بَلَاءٌ تَطُولُ مُدَّتُهُ،

که آن بلایی طولانی مدت است،

وَ يَدُومُ مَقَامُهُ،

و همیشگی است،

وَ لَا يُخَفَّفُ عَنْ أَهْلِهِ،

و برای ساکنانش تخفیفی ندارد،

لِأَنَّهُ لَا يَكُونُ إِلَّا عَنْ غَضَبِكَ وَ انْتِقَامِكَ وَ سَخَطِكَ،

چرا که این [بلا] از غضب و انتقام
و خشم تو برخاسته است،

وَ هَذَا مَا لَا تَقُومُ لَهُ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ،

و آن بلا را حتی آسمان‌ها و زمین هم
نمی‌توانند تحمل کنند،

**يَا سَيِّدِي، فَكَيْفَ لِي وَ أَنَا عَبْدُكَ الضَّعِيفُ
الذَّلِيلُ الْحَقِيرُ الْمِسْكِينُ الْمُسْتَكِينُ.**

ای آقای من! پس چه رسد به من که بنده ضعیف و
ذلیل و کوچک و نیازمند و بیچاره تو هستم!

يَا إِلَهِي وَ رَبِّي وَ سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ،

ای معبود من! و پروردگار من! و آقای من! و مولای من!

لَايِّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَشْكُو،

از کدامین دردم به تو شکایت کنم؟

وَ لِمَا مِنْهَا أَضِجُّ وَ أَبْكِي،

و از کدام یک گریه کنم،

لِأَلِيمِ الْعَذَابِ وَ شِدَّتِهِ،

[آیا] بر عذابِ دردناک و سختی‌اش،

أَمْ لِيَطُولِ الْبَلَاءُ وَ مُدَّتِهِ،

یا برای طولانی شدن و مدّت زیادِ بلا؟

فَلَيْنُ صَيَّرْتَنِي لِلْعُقُوبَاتِ مَعَ أَعْدَائِكَ،

[خدایا!] اگر برای عذاب، مرا در کنار دشمنانت قرار دهی،

وَ جَمَعْتَ بَيْنِي وَ بَيْنَ أَهْلِ بَلَائِكَ،

و من و اهلِ بلایت را گردِ هم آوری،

وَ فَرَّقْتَ بَيْنِي وَ بَيْنَ أَحِبَّائِكَ وَ أَوْلِيَائِكَ،

و بین من و دوستان و اولیاییت جدایی بیاندازی،

فَهَبْنِي يَا إِلَهِي وَ سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ وَ رَبِّي،

گیرم که ای خدای من!
و ای آقا و مولا و پروردگار من!

صَبَرْتُ عَلَىٰ عَذَابِكَ فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَلَىٰ فِرَاقِكَ،

بر عذابت صبر کنم ولی چگونه دوری
و فراق را تحمل کنم؟

**وَ هَبْنِي صَبَرْتُ عَلَىٰ حَرِّ نَارِكَ فَكَيْفَ أَصْبِرُ
عَنِ النَّظَرِ إِلَيَّ كِرَامَتِكَ،**

گیرم که بر سوزندگی آتشت صبر کنم،
چگونه از کرامتت چشم بردارم؟

أَمْ كَيْفَ أَسْكُنُ فِي النَّارِ وَ رَجَائِي عَفْوِكَ.

یا چگونه در آتش بمانم در حالی که
به بخششت امیدوارم؟

فَبِعِزَّتِكَ يَا سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ أَقْسِمُ صَادِقًا

ای آقا و مولای من! به عزتت سوگندِ صادقانه می‌خورم،

لَئِنْ تَرَكَتْنِي نَاطِقًا،

که اگر آن‌جا بگذاری سخن بگویم،

لَأَضِجَنَّ إِلَيْكَ بَيْنَ أَهْلِهَا ضَجِجَ الْأَمِلِينَ،

به‌طور حتم در بین دوزخیان سخت ناله کنم
آن‌گونه که امیدواران ناله می‌کنند،

وَ لَأَصْرُخَنَّ إِلَيْكَ صُرَاخَ الْمُسْتَصْرِخِينَ،

و دردمندانه ضجه خواهم زد همان‌طور که
مددجویان ضجه می‌زنند،

وَ لِأَبِكَيْنَّ عَلَيكَ بُكَاءَ الْفَاقِدِينَ،

و همانند عزیز از دست دادگان،
گریه‌های فراق سر خواهم داد

وَ لِأَنَادِيَنَّكَ أَيْنَ كُنْتَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ،

و تو را ندا خواهم داد:
کجایی ای سرپرست مؤمنان؟

يَا غَايَةَ أَمَالِ الْعَارِفِينَ،

ای نهایت آرزوی عارفان،

يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ،

ای فریادرس دادخواهان!

يَا حَبِيبَ قُلُوبِ الصَّادِقِينَ،

ای محبوب دل راستگویان،

وَ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ.

و ای معبود جهانیان،

أَفْتُرَاكَ سُبْحَانَكَ يَا إِلَهِي وَ بِحَمْدِكَ

ای منزّه خدا من! که همیشه
حمدت را می‌گویم، آیا ببینمت که

**تَسْمَعُ فِيهَا صَوْتَ عَبْدٍ مُسْلِمٍ
سُجِنَ فِيهَا بِمُخَالَفَتِهِ،**

صدای بندهٔ مسلمانان را می‌شنوی که
در جهنم به خاطر نافرمانیش زندانی شده،

وَ ذَاقَ طَعْمَ عَذَابِهَا بِمَعْصِيَتِهِ،

و به سبب گناه، مزهٔ عذاب جهنم را چشیده است،

وَ حُبِسَ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا بِجُزْمِهِ وَ جَرِيرَتِهِ

و به خاطر گناه در طبقات جهنم زندانی شده است

وَ هُوَ يَضِجُ إِلَيْكَ ضَجِيحَ مُؤَمِّلٍ لِرَحْمَتِكَ،

و حال آنکه به امید رحمتت ناله می‌کند،

وَ يُنَادِيكَ بِلِسَانِ أَهْلِ تَوْحِيدِكَ،

و تو را به زبان یکتاپرستان ندا می‌دهد،

وَ يَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِرُبُوبِيَّتِكَ.

و به ربوبیت تو متوسل می‌شود

يَا مَوْلَايَ، فَكَيْفَ يَبْقَى فِي الْعَذَابِ

ای مولای من! چگونه این بنده‌ات در عذاب بماند

وَ هُوَ يَرْجُو مَا سَلَفَ مِنْ حِلْمِكَ،

با وجود این که به صبرِ دیرینه‌ات امیدوار است؟!

أُمَّ كَيْفَ تُؤَلِّمُهُ النَّارُ وَ هُوَ يَأْمُلُ فَضْلَكَ وَ رَحْمَتَكَ،

یا چگونه آتش او را به درد آورد،
با اینکه او به فضل و مهربانیت، امید دارد؟!

**أُمَّ كَيْفَ يُحْرِقُهَا لَهْيُهَا وَ أَنْتَ
تَسْمَعُ صَوْتَهُ وَ تَرَى مَكَانَهُ،**

یا چگونه زبان‌های آتش، او را بسوزاند در حالی که
صدایش را می‌شنوی و می‌دانی کجاست؟!

أُمَّ كَيْفَ يَشْتَمِلُ عَلَيْهِ زَفِيرُهَا وَ أَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفَهُ،

یا چگونه شعله‌های آتش او را در برگیرد
و تو از ناتوانی‌اش خبر داری؟!

أُمَّ كَيْفَ يَتَقَلَّقُ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا وَ أَنْتَ تَعْلَمُ صِدْقَهُ،

یا چگونه بین طبقات جهنم به این سو و آن سو
کشانده شود و تو میدانی راست می‌گوید؟

أُمَّ كَيْفَ تَزْجُرُهُ زَبَانِيَّتُهَا وَ هُوَ يُنَادِيكَ يَا رَبِّهٖ،

یا چگونه فرشته‌های عذاب او را با خشم می‌رانند
و او فریاد می‌زند: ای پروردگار من!

أُمَّ كَيْفَ يَرْجُو فَضْلَكَ فِي عَيْتِهِ مِنْهَا فَتَتْرُكُهُ فِيهَا،

یا چگونه ممکن است که به آزادی از آتش امیدوارست،
ولی در آتش رهاش می‌کنی،

هَيْهَاتَ، مَا ذِيكَ الظَّنُّ بِكَ،

هرگز! این گونه در مورد تو گمان نمی‌برند،

وَ لَا الْمَعْرُوفُ مِنْ فَضْلِكَ،

و این گونه از فضلت نمی‌گویند،

**وَ لَا مُشْبِهٌ لِمَا عَامَلْتَ بِهِ الْمُوَجِّدِينَ
مِنْ بَرِّكَ وَ إِحْسَانِكَ،**

و این، شبیه رفتار بزرگوارانه و نیکویت نسبت به یکتاپرستان نیست.

**فَبِالْيَقِينِ أَقْطَعُ لَوْلَا مَا حَكَمْتَ
بِهِ مِنْ تَعْذِيبِ جَاحِدِكَ،**

پس یقین دارم که اگر فرمانت در عذاب دادن منکر کنندگان نبود،

وَ قَضَيْتَ بِهِ مِنْ إِخْلَادِ مُعَانِدِكَ

دستور جاودانگی دشمنانت در آتش صادر نشده بود،

لَجَعَلْتَ النَّارَ كُلَّهَا بَرْدًا وَ سَلَامًا،

قطعاً [در روز قیامت] تمام آتش را سرد و سلامت می‌کردی،

وَ مَا كَانَ لِأَحَدٍ فِيهَا مَقَرًّا وَ لَا مُقَامًا،

و هیچ‌کس در آن استقرار نمی‌یافت و جا نمی‌گرفت.

لِكِنِّكَ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ

اما تو که نام‌های شریف‌ت پاک و مقدّس است

**أَفْسَمْتَ أَنْ تَمَلَّأَهَا مِنَ الْكَافِرِينَ
مِنَ الْجَنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ،**

سوگند یاد کردی که جهنّم را پُر از
کافرانِ جنّی و انسی کنی،

وَ أَنْ تُخَلِّدَ فِيهَا الْمُعَانِدِينَ،

و دشمنان سرسختت را برای همیشه
در آتش نگاه داری.

وَ أَنْتَ جَلَّ ثَنَاؤُكَ قُلْتَ مُبْتَدِئًا،

و تو [که مدح و ثنایت والا است]

وَ تَطَوَّلْتَ بِالْإِنْعَامِ مُتَكَرِّمًا؛

و با نعمت‌هایت بر ما تفضّل فرمودی،
در آغاز فرمودی:

أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ.

آیا مومن و فاسق یکی هستند؟ نه، مساوی نیستند.

إِلٰهِي وَ سَيِّدِي، فَاسْأَلُكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي قَدَّرْتَهَا،

خدای من! و آقای من! از تو می‌خواهم
به قدرتی که مقدر کردی،

وَ بِالْقَضِيَّةِ الَّتِي حَتَمْتَهَا وَحَكَمْتَهَا،

و دستوری که حتمی و لازم نمودی،

وَ غَلَبْتَ مَنْ عَلَيْهِ أَجْرِيَّتَهَا،

و بر هر که اجرا کردی، پیروز شدی،

**أَنْ تَهَبَ لِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَ
فِي هَذِهِ السَّاعَةِ كُلِّ جُرْمٍ أَجْرَمْتُهُ،**

بر من ببخشی در این شب و همین ساعت،
هر جرمی را که از من سر زده است،

**وَ كُلِّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ، وَ كُلِّ قَبِيحٍ أَسْرَزْتُهُ،
وَ كُلِّ جَهْلٍ عَمِلْتُهُ،**

و هر گناهی مرتکب شده‌ام و هر زشتی که آن
را پنهان کرده‌ام و هر نادانی که انجام داده‌ام،

كَتَمْتُهُ أَوْ أَعْلَنْتُهُ، أَخْفَيْتُهُ أَوْ أَظْهَرْتُهُ،

چه کتمان‌ش کرده‌ام چه عیان،
چه پنهان کرده‌ام چه آشکار،

**وَ كُلِّ سَيِّئَةٍ أَمَرْتِ
بِإِثْبَاتِهَا الْكِرَامَ الْكَاتِبِينَ،**

و هر کار بدی را که به نویسندگانِ بزرگوارت
دستور ثبتش را داده‌ای،

الَّذِينَ وَكَّلْتَهُمْ بِحِفْظِ مَا يَكُونُ مِنِّي،

همان‌ها که مأمور به حفظ و ثبت اعمال من کرده‌ای،

وَ جَعَلْتَهُمْ شُهُوداً عَلَيَّ مَعَ جَوَارِحِي،

و آنان را به همراه اعضا و جوارح خودم،
شاهد قرار داده‌ای

وَ كُنْتَ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيَّ مِنْ وِرَائِهِمْ،

و از طرفی خودت نیز پیشاپیش آن‌ها
مراقب رفتارم بوده‌ای،

وَ الشَّاهِدَ لِمَا خَفِيَ عَنْهُمْ،

و شاهدهی بر آنچه از آنان پنهان مانده است،

وَ بِرَحْمَتِكَ أَخْفَيْتَهُ، وَ بِفَضْلِكَ سَتَرْتَهُ،

که آن‌ها را از روی لطف و رحمتت از آنان
پوشیده نگه داشتی،

وَ أَنْ تُوفِّرَ حَظِّي مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ،

که سهمم را از هر خوبی که
نازل می‌کنی زیاد کنی،

أَوْ إِحْسَانٍ فَضَّلْتَهُ،

یا هر احسان که لطف می‌کنی،

أَوْ بِرِّ نَشْرَتَهُ،

یا هر خوبی که پخش می‌کنی،

أَوْ رِزْقِ بَسْطَتَهُ،

یا روزی‌ای که می‌گسترانی،

أَوْ ذَنْبِ تَغْفِرُهُ،

یا هر گناهی که می‌بخشی،

أَوْ خَطَا تَسْتُرُهُ.

یا هر اشتباهی که آن را پنهان می‌داری.

**يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ، يَا إِلَهِي وَ سَيِّدِي
وَ مَوْلَايَ وَ مَالِكَ رِقِّي،**

پروردگارا! پروردگارا! پروردگارا! ای خدای من! آقای من!
مولای من! مالک هستی من!

يَا مَنْ بِيَدِهِ ناصيتي،

ای اختیاردار من!

يَا عَلِيماً بِضُرِّي وَ مَسْكَنتي،

ای آن‌که می‌دانی بیچاره و درمانده‌ام،

يَا خَبيراً بِفَقْرِي وَ فاقتي.

ای آن‌که می‌دانی فقیر و بی‌نوایم.

يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ، أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ وَ قُدْسِكَ،

ای پروردگار! ای پروردگار! ای پروردگار!
از تو می‌خواهم به حقّ خودت و پاکیت،

وَ أَكْثَرِ صِفَاتِكَ وَ أَسْمَائِكَ،

و بزرگ‌ترین صفات و نام‌هایت،

أَنْ تَجْعَلَ أَوْقَاتِي مِنَ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ

که تمام لحظه‌های شب و روزم را

بِذِكْرِكَ مَعْمُورَةً،

با یادت آباد کنی،

وَ بِخِدْمَتِكَ مَوْصُولَةً،

و پیوسته در خدمت خودت قرارم دهی،

وَ أَعْمَالِي عِنْدَكَ مَقْبُولَةً،

و کارهایم را بپذیری،

حَتَّى تُكُونَ أَعْمَالِي وَ أَوْلَادِي كُلُّهَا وَرِدًا وَاجِدًا،

تا آنکه تمام کارها و وردهایم در یک راستا باشد،

وَ حَالِي فِي خِدْمَتِكَ سَرْمَدًا.

و حالم در خدمت به تو پاینده باشد.

یا سَيِّدِي يَا مَنْ عَلَيْهِ مُعْوَلِي،

ای آقای من! ای آن که تنها تکیه‌گاه منی،

یا مَنْ إِلَيْهِ شَكْوَتُ أَحْوَالِي،

ای آن که شکایت بد حالی‌هایم را به تو می‌کنم،

يا رَبِّ يا رَبِّ يا رَبِّ، قُوِّ عَلَيَّ خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي،

پروردگارا! پروردگارا! پروردگارا! اعضای بدنم را برای
خدمتگزاری‌ات نیرومند کن،

وَ اشْدُدْ عَلَيَّ الْعَزِيمَةَ جَوَانِحِي،

و دلم را به سوی خودت محکم گردان،

وَ هَبْ لِي الْجِدَّ فِي خَشْيَتِكَ،

و نصیبم کن که به طور جدی از تو در هراس باشم،

وَ الدَّوامَ فِي الإِئْتِصالِ بِخِدْمَتِكَ،

و همیشه به خدمت‌گزاری تو بپردازم،

حَتَّى أُسْرَحَ إِلَيْكَ فِي مَياَدِينِ السَّابِقِينَ،

تا در میدان‌های پیشی‌گیرندگان به سوی تو،
روانه شوم،

وَ أُسْرِعَ إِلَيْكَ فِي البَارِزِينَ،

و به سویت بشتابم در میان شتابندگان،

وَ أَشْتاقُ إِلَى قُرْبِكَ فِي الْمُشْتاقِينَ،

و به مقام قربت مشتاق شوم در میان مشتاقان،

وَ أَذْنُو مِنْكَ دُنُو الْمُخْلِصِينَ،

و همانند مخلصین به تو نزدیک شوم،

وَ أَخافُكَ مَخافَةَ الْمُوقِنِينَ،

و همانند اهل یقین از تو بهراسم

وَ أَجْتَمِعُ فِي جِوارِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ.

و در جوار رحمتت با مؤمنان گرد آیم.

اللَّهُمَّ وَ مَنْ أَرادَنِي بِسُوءٍ فَأَرِدْهُ،

بارالها! هرکس مرا به بدی قصد کند
تو قصد او کن،

وَ مَنْ كادَنِي فَكِدْهُ،

و هرکس با من مکر کند تو با او مکر کن،

وَ اجْعَلْنِي مِنْ أَحْسَنِ عَبِيدِكَ نَصيباً عِنْدَكَ،

مرا از جمله بهره‌مندترین بندگانت قرار ده،

وَ أَقْرَبِهِمْ مَنْزِلَةً مِنْكَ،

و از نزدیک‌ترین بندگان به خودت،

وَ أَخَصِّهِمْ زُلْفَةً لَدَيْكَ،

و از خاص‌ترین بندگان قرار ده،

فَإِنَّهُ لَا يُنَالُ ذَلِكَ إِلَّا بِفَضْلِكَ،

زیرا، این‌ها جز با فضل تو به دست نمی‌آید،

وَ جُدْ لِي بِجُودِكَ،

و با سخاوت‌مندی‌ات بر من ببخشای،

وَ اعْطِفْ عَلَيَّ بِمَجْدِكَ،

و با بزرگواری بر من لطف کن،

وَ احْفَظْنِي بِرَحْمَتِكَ،

و با رحمت مرا حفظ کن،

وَ اجْعَلْ لِسَانِي بِذِكْرِكَ لَهْجًا،

و زبانم را به ذکر و یاد خود گویا،

وَ قَلْبِي بِحُبِّكَ مُتِّمًا،

و قلبم را از عشقت بی‌قرار ساز،

وَ مَنْ عَلَىٰ بِحُسْنِ إِجَابَتِكَ،

و با اجابتِ نیکو به درخواستم

بر من منت گذار،

وَ أَقِلْنِي عَثْرَتِي،

و از لغزش من درگذر،

وَ اغْفِرْ زَلَّتِي،

و لغزشم را نادیده بگیر،

فَإِنَّكَ قَضَيْتَ عَلَيَّ عِبَادَتِكَ بِعِبَادَتِكَ،

زیرا تو به بندگانت دستور دادی که تو را بپرستند،

وَ أَمَرْتَهُمْ بِدُعَائِكَ،

و امر کرده‌ای تا تو را بخوانند،

وَ ضَمِنْتَ لَهُمُ الْإِجَابَةَ.

و در مقابل نیز ضمانت کرده‌ای که اجابتشان کنی.

فَإِلَيْكَ يَا رَبِّ نَصَبْتُ وَجْهِي،

پس پروردگارا! به سوی تو روی آورده‌ام،

وَ إِلَيْكَ يَا رَبِّ مَدَدْتُ يَدِي،

و دستم را تنها به طرف تو دراز کردم،

فَبِعِزَّتِكَ اسْتَجِبْ لِي دُعَائِي،

پس به عزتت سوگند،
دعایم را مستجاب فرما،

وَ بَلِّغْنِي مُنَايَ،

و مرا به آرزویم برسان،

وَ لَا تَقْطَعْ مِنْ فَضْلِكَ رَجَائِي،

و امیدم را از فضلت قطع نکن،

وَ اكْفِنِي شَرَّ الْجِنَّ وَ الْإِنْسِ مِنْ أَعْدَائِي.

و مرا از شرّ دشمنانم چه جنّ و چه انسان،
در امان بدار.

يَا سَرِيعَ الرِّضَا، اِغْفِرْ لِمَنْ لَا يَمْلِكُ إِلَّا الدُّعَاءُ،

ای آن که زود راضی می شوی! بیامرز کسی را
که جز دعا کاری از دستش بر نمی آید،

فَإِنَّكَ فَعَالٌ لِمَا تَشَاءُ،

زیرا تو کاری را که بخواهی، انجام می دهی.

يَا مَنْ اسْمُهُ دَوَاءٌ، وَ ذِكْرُهُ شِفَاءٌ،

ای کسی که نامش، دواست و یادش، شفاست،

**وَ طَاعَتُهُ غِنَى، إِزْحَمَ مَنْ رَأْسُ مَالِهِ الرَّجَاءُ،
وَ سِلَاحُهُ الْبُكَاءُ،**

و طاعتش، خود بی نیازی! رحم کن به کسی که
سرمایه اش امید و سلاحش گریه است.

یا سَابِغِ النَّعْمِ، یا دَافِعِ النَّقْمِ،
یا نُورَ الْمُسْتَوْحِشِينَ فِي الظُّلَمِ،

ای فرو ریزنده نعمت‌ها، ای برطرف کننده سختی‌ها و مجازات، ای روشنی وحشت‌زدگان در تاریکی‌ها،

یا عَالِماً لَا يُعَلِّمُ، صَلَّى عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ،

ای عالمی که تعلیم داده نشده‌ای، بر محمد و آل محمد درود پیوسته بفرست،

وَ افْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَي رَسُولِهِ
وَ الْأَيْمَةَ الْمَيَامِينَ مِنْ آلِهِ،

چنان‌که شایسته و بایسته توست با من رفتار کن و درود پیوسته خداوند بر فرستاده‌اش و امامان پُربرکت از آل او،

وَ سَلِّمْ تَسْلِيماً كَثِيراً!

و سلام بسیارش بر آنان باد.

۱- مصباح‌المتهجّد، ۸۴۴، مفاتیح‌الجنان، ۱۲۶.